



بولتن اطلاعاتی

سپتامبر ۱۹۸۷

گزارش فوق العاده از اقدام متهورانه نیوشا فرهی

xalvat.com

"بولتن
اطلاعاتی"
در رابطه با
"خودسوزی
و مرگ"
نیوشا
فرهی



حدیث عشق بیان کن بدان زبان که تودانی

متن کامل دست نوشته نبوشا فرهی

'هرگز نمبرد آنکه طش زنده شد به عشق ثبت است در جسریده عالم دوام ما'

به عنوان اعتراض به حضور خامنئی ی جلاد در سازمان ملل متحد، و نیز اعتراض به سیاست های خارجی اولترا راست دولت ریگان، و همچنین اعتراض به عملکرد زهرآلود جوجه - فاشیستهای شاه‌الهی که همچنان در ضحیت با خلقهای ستم‌دیده ایران پای می‌نشانند، خود را به آتش می‌گشتم.

به استقبال مرگ نمی‌شتابم، چرا که عاشق مرگ نیستم و به زندگی "در سرای باقی" هم اعتقاد ندارم. اما به ناگزیر در راه مرگ گام برمی‌دارم چون عاشق زندگی‌ام، و نیز مانند هر جهان‌سومی مسئول دیگر، نیک می‌دانم که: "آنکس که جان فدای خود می‌کند..."

دروغ گفتم اگر بگویم که نمی‌ترسم و نیز اگر منعی شوم که هدفم شهادت است. اما اگر ضرورتش ایجاب کند، مرگ را می‌پذیرم و آنوقت شاید برای یک لحظه تأثیری داشته باشم. خون من رنگین تر از خون خلق کرد. یا زنان حامله‌ای که اعدام شده‌اند و یا دخترانی که به شنیع‌ترین اشکال شکنجه می‌کردند (و یا حتی آن زنانی که در پستوی ان‌هان بیمار فرهنگ مذهبی مرد ایرانی اسیر هستند)، نیست، اگر چه شجاعت، ایمان و بزرگی آنها را ندارم و بطریق اولی به اندازه آنها عاشق نیستم. تنها سرمایه من در زندگی بی‌حاصلم، صداقتم بوده و تنها دلخوشی‌ام این بوده‌است که زنده به آن بدهم آرام و قرار نداشته‌ام. همین.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا

مرگ بر نظام ولایت فقیه

xalvat.com

ناپود باد بقایای خرد ستم شاهی

دروغ به زندگی

دروغ به آزادی

دروغ به خلقهای مبارز و رنج‌دیده جهان سوم

دروغ به ایران و همه خلقهای ستم کش آن

دروغ به نیروهای انقلابی و چپ ایران و جهان

دروغ به کمونیزم

پیش‌پسری تشکیل حزب و دولت عشق

نبوشا فرهی

عاشق، دردمند، منتقد

مؤادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۳۸۷، تبعید (لوس آنجلس).

تذکار: اگر من در این نبرد کوچک با آتش، از پای درآمدم، دوست دارم رفقایم و همه دیگران بدانند که هنگام نوشتن این یادداشت چقدر از زندگی سرشار بوده‌ام. به تار ناب لطفی گوش می‌دادم. شرابی کس می‌نوشتیدم. هراز گاهی گلایه‌های لطیف و زیبایی روی میز تحریرم را می‌بوئیدم. یکسره به تصویر زنی که به او عاشقم و دلپذیر و نازنین تر از آتش، تار لطفی، شراب گس و گل است. نگاه کردم و اکنون نیز "عاشقانه"یی از سلطانپور خولم خواندم. گریزی به جهان حافظ خولم زد، بعد نامعی برای او ... و نامعای برای دو فرزانه نازنین دیگر که به آنها عاشق هستم. زویا و پیام، خولم نوشت، پیپی جاق خولم کرد. امشب حتما یا بخشی از "نان آن سالهای هاینریش بل یا قصه‌ای از مرتضای میرآذنبی را خولم خواندم. در تمام این مدت به مادرم و خانم ناهید فکر کرده‌ام و میدانم که در دو روز آینده هم به آنها فکر خولم کردم- امیدوارم که مرا درک کنند. رفیقم ... مدعی است که بوهن من ثمر بخش تر از نبودنم است! به او گفتم دوست نازنین اگر همه ی عشاق چنین می‌اندیشیدند و استدلال می‌کردند، قرنهای پیش زندگی و مبارزه تعطیل می‌گشت!

... یک لحظه فراموش نخولم کرد که زندگی چقدر زیباست اگر چه در ایران، آفریقای جنوبی، کردستان، فلسطین، شیلی، آل سالوادور و... رندهای خین جاری است.

بار دیگر بر این اعتقاد پای می‌نشانم که اگر ما هنر مردن را ندانیم، هرگز هنر زیستن و عشق ورزیدن را کامل فرا نخواهیم گرفت و این با شهادت بمفهوم مذهبی در تضاد کامل است.

پایانده باد دولت عشق

ن. ف

جمعه ۱۸ سپتامبر

خانه کتاب ایران، وست وود



آنجا که عشق عزل نیست، که حماسه‌ای است
هر چیز را صورت حال واژگونه خواهد بود

"شاملو"

xalvat.com

فریادی چون ستاره دنباله دار، در میان "خیزآب"
شعله و دود؛ فریاد مرگ بر استبداد، مرگ بر
جنگ، زنده باد صلح و آزادی، زنده باد
سوسیالیسم و ... چون انفجار باروت در فضای تنگ
پیچید. و آنگاه تدریجاً فرو شکست و یاور انفجار در
قلب‌ها آشیانه کرد.

مردی می‌آید با شور و شعر
تا تمام هستی‌اش را فریاد کند
می‌آید، قلبش را منفجر می‌کند
ستاره‌اش را مشتعل می‌سازد
آسمان را پر از شهاب می‌کند
برگ‌دشته‌هایش را می‌پراکند
در آتش می‌خسبد

و دل‌ها را تسخیر می‌کند

x x x

"بر خیز خوب من
در کوچه‌های شهر
شب هنگام
باید سرود خواند
شهری که خفته است - یانگ تو بیدار می‌کند
برخیز خوب من
در کوچه‌های شهر - شبانه
سرود باید خواند"

انسانی در اوج می‌خواند ترانه زندگی را، آواز عشق
را در مجمع بزرگ آتش، در اذهان شگفت و گسترده
حیرت، در همه‌جا باوری، در قله زندگی، انسانی در
وادی سکوت و نگرانی مبتد، در باجهای تند مرموز، در
"خیا‌بانه‌های سرد شب" آنجا که "جفت‌ها پیوسته‌ها
تدریجاً یکدیگر را ترک می‌گویند"، و هی دیوار میکشند و
هی دیوار میکشند در هراس یاس، ققنوس وار آتش‌ها
الروحت تا چشم‌های کم سو زیر چادر شب، راه پر

"ای خوب تر بیا!
این شعله نهفته به دهلیز سینه را
چون آتش مقدس زرتشت برافروز
بشکن ظلم حادثه را

بشکن،
مهر سکوت از لب خود بردار
منشین به چاهسار فراموشی
پسپار گام خویش به ره
بیسار
آفتاب، طلوعی دوباره خواهد کرد."

در دم دمای پایانی آذروزی پر حادثه، روز راه
پیمائی، روز تظاهرات، روز یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷،
آنجا که امتداد صف در نوید اتحاد، حلقه خود را تنگ
تر می‌کرد تا پیام اتفاق و همبستگی بتواند و بشنود و
اراده و عزمش را برای واژگون کردن بنای جهل و استبداد
راسخ تو کند،

در همان زمان و مکان که ناهمردان فوتوت مستم
شاهی با پلشتی زیرنام تظاهرات، رگهای نیرنگ بهم اندازی
را ردیف میکردند،
آنگاه که امتداد پیوند، سنگر مقاومت در برابر آنها
بود.

آنزمان که بندبند قطعاته، فولاد حلقه‌های زنجیر
اتحاد را آبدیده تر میکرد.
آنجا که اوج نفرت از جنگ و جنگ افروزان، هم
سطح عشق به صلح و آزادی صعود میکرد،

آنگاه مردی آمد خندان، مصمم، ویران، پر خشم -
چون قلعه دماوند - پر راز و خاطره ساز، پر کینه و
سرشار از عشق و با ستاره عشق. می‌آمد تا از آوارگی
گذر کند و ستاره‌اش را چون مشعل فروزان در آسمان
شب بیاویزد

"مردی می‌آید از شب خونین
تا چون ستاره‌های طلایی
باران روزهای پریشان را
در آن کمبود تلخ بهارد"



آنزمان که پیام آتش و حماسه از زبان به تصویر و سطور بگوش ها و چشم ها رسید، دیگر بار رهبران رویای شب و پاسداران استبداد مغلوب یا شرمندگی "شایعه" سحر و جادوی فریب را در باور همگان دیدند که از خانه‌ای به خانه دیگر گذر نمود و بر سرزبانها افتاد و ظاهرا تسخیر نمود. دیدند که برآستی ممکن است، انسانی در اوج تعالی، چون حلاج، در آتش عشق به سرنوشت ملتی آواره و میهنی مغروبه حماسه‌ای اینچنین بیافریند. شاید آنها نمی دانند که او نیز می توانست چون "عروسک کوکی" کور و کر، در کنار پرده باقی بماند و دنیا را با چشم های شیشه‌ای ببیند* و از دریچه تنگ خفقان نفس بکشد. اما او میداند و میدانست که هیچ صیادی در گودال مروراید صید نخواهد کرد. پس او خود بدریا پیوست و دریا شد.

در پیامد روز واقعه، "رفقا و یاران نیوشا" کمیته‌ای برای طرح و روشنگری پیرامون انگیزه این اعتراض آتشین، بنا نهادند تا امر مراوده با عموم را تسهیل کنند.

این کمیته که مجتمعی است از کلیه آزادی خواهان آواره با خاستگاه روشن و قاطع علیه دو استبداد شاهی و اسلامی، بر آن شده است که فعلا سکوی ارتباط کلیه دردمندان سیاسی خارج از کشور شود. گسترش دادن پیام این عمل قهرمانانه نیوشا، آگاه نمودن افکار عمومی دنیا - که زیر سکوت شرمگینانه دول جهان نسبت به جنایات بی سابقه رژیم جمهوری اسلامی ایران بی تفاوت مانده است - جمع آوری کمک های مالی برای بهبودی نیوشا، از جمله وظائف اولیه این کمیته محسوب می گردند. بولتن حاضر جز آنچه گفته شد، دعوتی است از کلیه انسانهای آگاه و مبارز که دردمند آوارگی و نظام جهلند، تا اعتراض نیوشا را هرچه رساتر به گوش جهانپار برسانند.

برگرفته از سعید سلطانیور +

برگرفته از فروغ فرخزاد *

سنگلاخ صعود به ارتفاع عشق و اوج آزادی را رویت کنند. او دستان خود را در چهره عیوس شهر به آسمان تلخ، حلاج وار بیاویخت و برهستی پوسه زد. او لحظه های بوجن را در شعله ها و شراره های پیکر خود ترسیم نمود. او پا قاعث نیم سوخته خود پرچم اعتراض را در عرش برافراشت تا کهکشان امید بدرخشد. او هنوز می سوزد، داغ و داغ، هنوز می خواند سرود فردا را، سرود عشق را در پهنه صمیمیت. هنوز خشمش فروکش نکرده است. او قلب خود را یکجا بسوزاند و آتش عشق در بلندای آفتاب برافروخت تا همراهان، در فصل سرد از گرمی آن قوی خود تجدید کنند.

شجاعت او، برآستی شجاعت کمیاب - نه شجاعت نایاب او - شاخص ممدوج اوج عشق و اوج نفرت است. اوج نفرت به بقای خدای نیستی در هیولای جهل، و اوج عشق به باور هستی و آزادی بشریت، نه در حصار تنگ وطن، که او قلبش همسان برای کودکان برهنه آماج تجاوز و غارت امپریالیسم در سراسر جهان همواره تپیده است. اما اگر تردید اینهمه فداکاری، یا رویت ارتفاع عشق و سرمایه بیکران صداقت به یقین بدل شد، در حقیض ذلالت چگونه میتوان اینهمه را در خرجین تنگ حماقت و منافع خرد بقایای ستم شاهی جای داد. پس به نفی آن باید پرداخت. و آن کردند. وقتی آتش، شراره به آسمان کشید و فریاد مرگ بر استبداد از میان حنجره آتشین او، همه به سیاه پوشان و سیاه دلان را خاموش کرد. از میان کهنه پرستان مدافع سلطنت که در مجاورت اجتماع معترض هر دو استبداد "نو" و کهنه، یعنی عاشقان صلح و آزادی، آنجا که آنها در رویای شب جلوكاه دیگری از تمایش آخرین تحولات آرایش و پیرایش علم کرده بودند، مداحی بر سکوی حماقت بالا رفت و برگرده جهالت وامانده ترین شان که از تاریخ هیچ و هیچ نباموخته‌اند و در خیال برگشت زندگی افسانه‌ای هزار و یکشب خود شب ها را شمارش میکنند. فریاد برآورد که:

بمود باشید. دود و آتش ترفند و جادویی است از برای فریب نان| انسانی که در میان شعله های آتش دست های خود را به آسمان آویخته، دروغ است! باور مدارید! مبادا که در شگفتی اینهمه شہامت و فداکاری قافیه "به خانه برمیگردیم" (که مترادف برگشت دوران سیاه ستم شاهی است) را از یاد ببرند!





۵

متن انگلیسی پیام اعتراض نپوشا برای افکار عمومی جهان

By setting fire on myself, I am not only protesting the presence of the Iranian butcher, Ali Khamenei, in the U.N., but also President Regan's ultra right foreign policy as well as the poisonous activity of pro monarchy elements who are using the crimes of Khomeini's regime as an excuse for attempting to bring back to power the murderous dynasty of Pahlavi. I do not wish to die, I love life, but apparently in order to preserve the essence of that same very life, the only alternative left is dying!

xalvat.com

Neusha Farrahi

Supporter of "Fadaie Guerrilla Organization of Iran"

September 20, 1987





شرح فعالیت ميسارزاتی نیوشا

xalvat.com

فعالانه شرکت جست. این نهاد در مدت فعالیت دو سال خود در برکلی و لوس آنجلس، یک کتاب "جنايات رژيم خميني" به انگلیسی، چند جزوه و بوستر چاپ کرد، و در اجلاس سازمان ملل شرکت نمود و... نیوشا از زمان آغاز فعالیت مطبوعاتی خود، پروژه پس از همکاری نزدیک اش با "جبهه همبستگی" در سنگر مبارزه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آمریکا - در کنار فعالیت های مطبوعاتی و دموکراتیک مستقل خود - به مبارزه ادامه داد. وی علاوه بر همکاری با نشریه "جهان" در زمان انتشار آن در آمریکا، از آغاز انتشار نشریه "جهان نو" عضو شورای انتشاراتی این نشریه بوده است و تا کنون چندین مقاله فرهنگی، سیاسی، ادبی و انتقادی در این نشریه به چاپ رسانده است.

نیوشا فرهی نویسنده، منتقد و مدیر "خانه کتاب" از سال ۱۳۵۸ آغاز کرد به نوشتن مقالات سیاسی - اجتماعی علیه رژیم ولایت فقیه و به مدت یکسال با "ایرانشر" همکاری کرد. تا هنگام تعطیلی آن نشریه، چند سالی از نوشتن در مطبوعات ایرانی کناره گرفت تا اینکه یکسال و نیم گذشته، با ورود اسماعیل خونی و منوچهر محجوبی و شوان به شهرلوس آنجلس، گزارشاتی در ارتباط با برنامه های آن ها در "رایگان" نوشت. در "رایگان" گزارشات و مقالات متعددی از نیوشا چاپ شده است که از آن جمله است "اردشیر محمص، لویی یونوئل جهان سوم". همچنین وی از آغاز تاسیس "جبهه همبستگی در دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران"



به کمک نیوشا بشتاییم.

هموطن،

بر اساس گزارش پزشکان، قریب ۷۰ درصد بدن نیوشا سوخته است. بیمارستان های عمومی او را نمی پذیرفته و برخی از بیمارستانها خصوصی نیز در ابتدای کار از ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار و حتی وثیقه مالی برابر با ۲۵۰ هزار دلار سخن به میان می آورند. در سرزمین "مهد آزادی" جان انسان را ارزشی بیش از این نیست! اکنون نیوشا در بیمارستان نوس آنجلس کافتی - یو. اس. سی بستری است و پروسه معالجه وی پروسه ای پس طولانی و با هزینه سنگین است. وظیفه انساندوستانه ما تک تک ایرانیان است که مخارج درمان نیوشا را متقبل شویم. کمکهای مالی خود را به حساب زیر واریز نمائید و یا با خرید اوراق زیر و بخش آن او را یاری کنید.

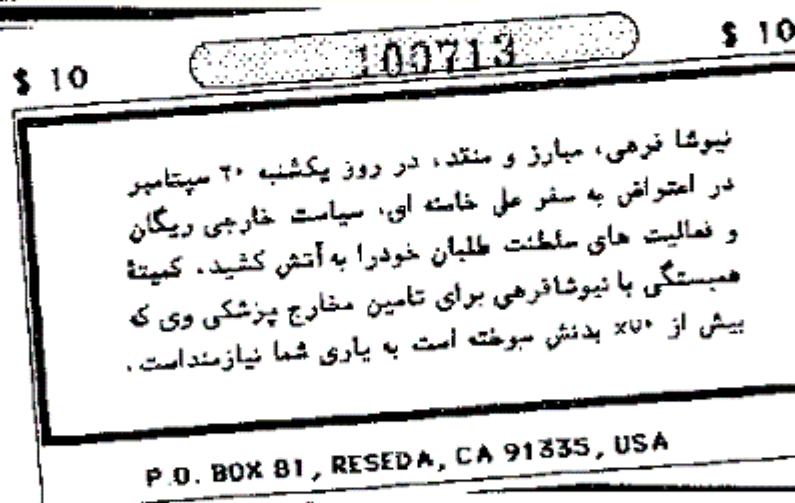
ACCT # 031005523

NEUSHA FARRAHI

WESTWOOD OFFICE CALIFORNIA FIRST BANK

1310 WESTWOOD BLVD, LA CA 90024

xalvat.com



آخرین گزارش پزشکی نیوشا فرهی:

گرفته است. پزشک معالج نیوشا معتقد است که او میباید چندین ماه در بیمارستان بستری باشد. وی اضافه میکند که از لحاظ تجربه شخصی وی، بسیاری موارد سوختگی مشابه، به مرگ منتهی میگردد. دلایلی که نیوشا را زنده نگاه داشته است اولاً قدرت جسمی وی و دوم، قدرت روحی اوست. به گفته پزشک معالج، دوران مداوای نیوشا بسیار طولانی و خسته کننده خواهد بود. بنابراین مساله دارا بودن روحیه خوب است.

بنا به گفته دکتر تریتمن، پزشک معالج نیوشا و جراح و متخصص سوانح سوختگی در بیمارستان یو. اس. سی، میزان سوختگی بدن او، ۷۰ درصد است که اکثر آن از نوع سوختگی درجه ۳ میباشد. نیوشا در تاریخ ۲۴ سپتامبر مورد عمل جراحی قرار گرفت. دکتر تریتمن که جراح این عمل ده ساعته بوده عقیده دارد که عمل جراحی بطور کلی موفقیت آمیز بوده است. این عمل برای درآوردن پوستها و تسجج مرده از بدن نیوشا انجام



Los Angeles Times

★ Tuesday, September 22, 1987 / Part II

A

3

Iranian Who Set Himself Afire Surprised Friends, Kin

By LAURIE BECKLUND, Times Staff Writer

Friends and relatives of an Iranian bookstore owner who set himself afire Sunday during an anti-Khomeini protest in Westwood said they had no warning of the man's plans and were shocked when it happened.

The man, Neusha Farrahi, 31, was reported in critical condition Monday at County-USC Medical Center with second- and third-degree burns over 70% of his body.

"This is something you hear about, even see pictures of," said his brother, Payam Farrahi, who was standing next to Neusha at the protest at the Federal Building on Wilshire Boulevard.

"But to see it, to even feel the heat of the flames next to you, and to hear the screams of the person, especially when it is your own brother, that is, I cannot explain, extraordinary. I cannot even think now what all this means."

Payam Farrahi said he extinguished the flames with a blanket he found nearby. Then, he and others said, friends immediately created a ring around Farrahi to prevent him from being crushed by the roughly 1,000 demonstrators in the area.

A Los Angeles County Sheriff's Department spokesman reported Sunday that the ring of demonstrators prevented authorities from reaching the burned man.

Friends of the injured man said Monday they were concerned that authorities were suggesting that the ring of supporters had wanted to make a martyr of Farrahi. Instead, they said, they were just trying to stop the chaotic crowd from trampling the man.

A sheriff's deputy who was at the demonstration said Monday that the fire had been extinguished by the time deputies arrived and the

ring opened to allow paramedics to treat the victim when they arrived minutes later.

Hanud Bagani, a longtime friend of Farrahi, said \$10,000 has been raised so far for his hospital bills. He said Farrahi had no insurance.

The demonstration was called to protest the arrival in New York of Iranian President Ali Khamenei, who will address the United Nations today.

Farrahi, a leftist who opposes both the current government of the Ayatollah Ruhollah Khomeini and the return of a monarchy to Iran,

had given a friend leaflets to distribute shortly before setting himself on fire.

"I was just reading them when I looked up and it was happening," said Ali Forouzesh, a friend and co-worker at Farrahi's Khaneh Ketab Iran (Iranian House of Books) in Westwood. "Nobody knew—nobody—that this was going to happen."

"I do not wish to die, I love life but apparently in order to preserve the very same life the only alternative left is dying," Farrahi wrote in a letter he prepared for distribution to the news media.

xalvat.com

ایستاده بود، میگوید: "این چیزی است که آدم داستانش را میشتود و یا در عکسها میبیند، اما، این که آن را ببیند، حرارت شعلهها را در نزدیک خود حس کند، و قریادهای آن شخص را بشنود، مخصوصا وقتی که آن برادر خودش باشد، این را نمیتوانم توضیح بدهم، در زبان نمیکند، حتی فکرش هم در مغیلهام جا نمیگیرد."

پیام فرهی گفت، آتش را با پتویی که در آن حوالی یافت، خاموش کرد. پس از آن دیگران گفتند که دوستاش فوراً به دور او حلقه زدند که نگذارند زیر دست و پای حدوداً هزار تظاهرکننده له شود.

سخنگوی پلیس ناحیه لوس آنجلس روز یکشنبه گزارش داده بود که حلقه تظاهرکنندگان نمیگذاشت که مقامات مربوطه به فرد سوخته شده نزدیک شوند. روز دوشنبه، دوستان فرد مجروح از این مسئله ابراز نگرانی کردند، چرا که مقامات میخواستند چنین القا کنند که تظاهرکنندگان میخواستند از فرهی یک شهید بسازند. آنها

۲۲ - سپتامبر - سه شنبه

نویسنده:

ایرانی ئی که خود را به آتش کشید، دوستان و خویشان خود را، متعیر کرد. دوستان و خویشاوندان صاحب کتابفروشی که روز یکشنبه خود را طی تظاهرات ضد خمینی به آتش کشید، گفتند آنها از اقدام او بی اطلاع بودند و وقتی (خود سوزی) اتفاق افتاد، دچار شوک شدند. حال عمومی، نیوشا فرهی، که سی و یک سال دارد و در امری بزرگ گزارش شده است بیش از هفتاد درصد بدن او دچار سوختگی درجه ۲ و ۳ شده است. برادر او، پیام فرهی، که کنار نیوشا در محل تظاهرات در برابر ساختمان فدرال در خیابان ویلشر



ایرادات تابیر

در برنامه تظاهرات علیه رژیم جمهوری اسلامی؛

یک جوان ایرانی در لوس آنجلس

دست به خودسوزی زد

• «نیوشا فرهی» در حالیکه شعله های آتش او را در برگرفته بود علیه آیت اله خمینی و سلطنت طلبان شعار میداد.

نیوشا فرهی که ۷۰ درصد بدن او در آتش سوزی آسیب دیده است، در بیمارستان بستری شد.
از ساعت ۳ بعد از ظهر روز یکشنبه گذشته ۲۹ شهریورماه (۲۰ سپتامبر) گروهی از ایرانیان مقیم صفحه دوازدهم نیوشا سوز

واشنگتن - سرویس خبری ایران تایمز: در تظاهرات گروهی از ایرانیان که علیه حضور سید علی خامنه ای در سازمان ملل، در مقابل ساختمان فدرال واقع در «دوست وود» شهر لوس آنجلس بر پا شد، یک جوان ایرانی از تظاهراتکنندگان دست به خودسوزی زد.



گفتند که این کار را به منظور جلوگیری از له شدن او زیر دست و پای انبوه جمعیت انجام داده بودند.
نماینده پلیس که در تظاهرات حضور داشت، روز دوشنبه گفت، هنگامیکه مقامات مربوطه به محل رسیدند، آتش خاموش شده و (دوستان او) حلقه را برای ورود برای گروه امداد که دقایقی بعد به محل رسید، باز کردند تا به مداوای فرد سوخته بپردازند.

حمید باستانی، دوست قدیمی فرهی گفت که فرهی بیمه ندارد و تا کنون ده هزار دلار کمک مالی جهت مخارج درمانی او جمع شده است. این تظاهرات در اعتراض به سفر علی خامنه ای، رئیس جمهور ایران که قرار است امروز در سازمان ملل سخنرانی کند، انجام گرفته بود. فرهی که از فعالین چپ است، هم مخالف دولت کثونی آیت اله خمینی و هم مخالف رجعت سلطنت به ایران است. او کمی پیش از آنکه خود را به آتش بکشد، اعلامیه ای را به دوست خود داده بود که بخش شود.

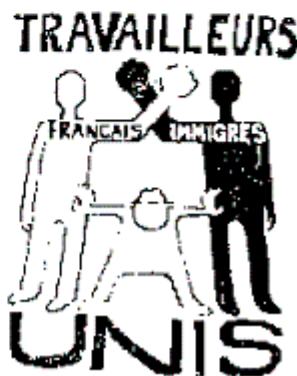
علی ... دوست و همکار او در خانه کتاب میگوید: دانستم آنرا میخواندم وقتی سرم را بلند کردم، دیدم دارد اتفاق می افتد.
فرهی در نامه ای که برای پخش در میان وسایل ارتباط جمعی نوشته بود، میگوید: من آرزوی مرگ ندارم و عاشق زندگی ام، اما به نظر می آید برای حفظ جوهر همان زندگی تنها بدیل باقی مانده، مرگ است.

xalvat.com

دوشنبه ۲۱ سپتامبر

نیوشا فرهی در حالیکه یک فرد ناشناس به او کمک میکند.

دیروز، یکشنبه، نیوشا فرهی طی تظاهراتی در برابر ساختمان فدرال خود را به آتش کشید.
به گفته مقامات، این تظاهرات علیه سفر هیئت نمایندگی ایران به سازمان ملل صورت گرفت.





Man Sets Self on Fire to Protest Iranian's Visit

By NIESON HIMMEL, Times Staff Writer

An Iranian bookstore owner set himself afire and suffered serious burns during a demonstration outside the Federal Building in Westwood on Sunday in protest of the scheduled visit of the president of Iran to the United Nations this week, friends said.

"A ring of friends gathered around the burning man preventing deputies from coming to his aid for several minutes," Los Angeles County Sheriff's Deputy Steve Lee said.

The protester, Neusha Farrahi, 31, sustained second- and third-degree burns over 60% of his body, with the most serious burns to his upper torso, paramedics reported.

Farrahi, who has no known relatives here, runs the Persian-language bookstore Khaneh Ketab (House of Iranian books) on Westwood Boulevard. He was taken to UCLA Medical Center, where officials declined to comment on his condition.

An estimated 800 people from two groups—both opposed to the current Khomeini government in Iran, but also opposed to each other—were protesting the visit of Iranian President Ali Khamenei, who is scheduled to visit the UN on Tuesday, when the immolation incident occurred shortly after 5 p.m., Lee said.

A fellow demonstrator, Mansour Majadad, told the Associated Press that Farrahi "poured gasoline on himself and set himself afire." However, deputies said no gasoline container was found at the scene.

Farrahi left a letter to be distributed to the media after what he believed would be his death, said a longtime friend, Hamid Basgani.

Farrahi wrote: "By setting fire to myself I am not only protesting the presence of the Iranian butcher, Khamenei, to the United Nations, but also President Reagan's ultra-right foreign policy as well as the poisonous activities of pro-monar-

chy elements who are using the crimes of the Khomeini regime as an excuse to bring back the power of the murderous dynasty of [the late Shah Mohammed Reza] Pahlavi.

"I do not wish to die, I love life but apparently in order to preserve the very same life the only alternative left is dying," the letter concluded.

"If I had the slightest idea he would try this, I would have tried to prevent it," Basgani said. "As it was, the first thing I knew was when I heard his screams and saw my friend on fire."

"By the time deputies were able to get through the circle of friends, the fire was out," Basgani said. "I was absolutely disgusted at some of his friends who let him do this. I heard one of them trying to tell the paramedics that he would be OK, there was nothing to it and not to bother."

Basgani said Farrahi considered himself a liberal and was often at odds with his fellow Iranians in this country over their obsession with problems in their homeland.

"I guess he felt this was the only way he could publicize and in some way express his anger and revulsion at the visit of Khamenei," Basgani said. "He wanted to take any methods he could to prevent the visit."

Basgani said that one group of protesters, the largest, is pro-monarchist and wants restoration of a government similar to that of the late Shah, whose son is seeking to return as the head of Iran.

The group with which Farrahi and Basgani are associated is "an ad hoc committee, which seeks democracy for Persia and is against the theocracy that runs it now," Basgani said. He said many elements make up the committee.

"Immediately after the attempted immolation, the protesters were dispersed without any major incidents," Deputy Hal Grant said.

ترجمه نامه اعتراضی یکی از دوستان نیوشا (شرکت کنندگان در تظاهرات) به روزنامه لوس آنجلس تایمز در مورد تحریف در بخش گزارش خود سوزی نیوشا:

xalvat.com

آقای نیسون همیل: این نامه در باره نا روشنی‌های مندرج در گزارش ۲۱ سپتامبر شما، تحت عنوان "فردی در اعتراض به سفر هیئت نمایندگی ایران خود را به آتش می‌کشد" است. تحریف حقایق و ناروشتیها به نظر می‌آید از یک طرف به خاطر گزارشات متناقض و نا منظم و از طرف دیگر به خاطر سوء تفاهم بین ما بوده است. خانم نیوشا بلكند در پی گیری این حادثه تا حد زیادی این اشتباهات را تصحیح کرده‌اند. معذالک یک نکته اساسی در آنجایی که مربوط به عمل و عکس العمل دوستان نیوشا نسبت به این حادثه میشود، حیثیت اخلاقی آنان را زیر سؤال میبرد. شما از قول من نوشته‌اید "من از اینکه تنه‌ای از دوستانش گذاشتند این کار را بکنند شدید عزیزم. من شنیدم یکی از آنان سعی میکرد به مأمورین امداد چنین القا کند که او حالش خوب است و هیچ سانه‌ای نیست و آنها به خودشان زحمت ندهند."

آقای همیل چنین چیزی را هنگامی که خبر حادثه را تلفنی به شما گزارش دادم نگفتم. عمل نیوشا همه را متعیر ساخت. ما زمانی متوجه قصد او شدیم که دیگر خبر شدیم. از این گذشته شخصی که به گروه امداد میگفت "حالش خوب است" دوست نیوشا نبوده، بلکه یک لوط طلب و دشمن سیاسی او بود. من خود در این صحنه حضور داشتم و از او با عصیانیت پرسیدم: "تسلیت تو کجا است؟ اگر از آن بویی برده باشی." رفتار غیر انسانی او چنان مرا خشمگین کرد که به او گفتم: "کثافت." این عین حقیقت است. اما از گزارش شما چنین برمی‌آید که دوستان نیوشا نمی‌گذاشتند گروه امداد به او نزدیک شود. این دوستان او بودند که آتش را خاموش کردند، و او را از گزند اشخاصی مانند فردی که من با او مواجه شدم، مصون داشتند. همچنان که سختگوی اداره پلیس در روز ۲۲ سپتامبر در مقاله خانم لوری بکند گفته است "دوستان او پس از آن که گروه امداد برای معالجه نیوشا آمد، راه را برای آنان باز کردند" و این بر خلاف ادعاهای قبلی است که میگوید "دوستان او بطور زنجیره‌ای دور او جمع شده بودند و برای چندین دقیقه مانع گشتند که مقامات مربوطه به وضع او رسیدگی کنند."

گزارش گری واقع بینانه لوس آنجلس تایمز ایجاب میکند که این خطای تاسف انگیز فوراً تصحیح شده و به اطلاع خوانندگان روزنامه برسد.

حمید باستانی



"یاوه گویان، در او زندگی است که جاری است"

در دفاع از حیثیت انسانی خود، در اعتراض به تمام سبب‌بیت‌های رژیم تازیانه و دار خمینی، در دریدن نقاب دولتمردان "دزیای متمدن"، سرشار از امید، ملو از شور انسانی و با تنفر به دشمنان تمام خلق‌های جهان خود را به آتش کشید. تا اگر خشم‌ان را نمی‌پسند یا فریادمان را نمی‌شنود، حریق‌های سوزنده‌تن و جانش را به نشان دادخواهی ببینند، تا اگر انبوه رنج‌ها و فشارهای مردمان، یا به زیر آوار رفتنشان یا متلاشی شدن تن و روح بهترین فرزندان انقلاب را در زندان‌های شاه ساخته و خمینی تکمیل کرده ککشان را نمی‌گزد، بریان شدن یک انسان در "آمریکای متمدن" آنها را متوجه بی‌رمقی حقوق انسانی ادعایی شان کند.

همگام با تمام رزمندگهای راه آزادی و نه در کنار سلطنت طلب‌های دل سیری که در گذشته از حاصل یغمای خلق‌ایمان و امروزه از بازمانده‌های غارت گذشته و به یمن کمک‌های "سیا" برای زنده کردن لاشه متعفن پتام سلطنت که مردم نه سال پیش برای همیشه به خاکش سپردند، می‌خواست جان خود را مایه گذارد تا زنده بویخ و باورمان را به میارزه در راه استقرار یک زندگی انسانی فریاد کشد.

xalvat.com

ایکاش کوحساران ساکت نشینند

ایکاش

ودشت خاموش به صدزبان سخن گوید

ایکاش

ایکاش قلم

زبان گشوده من باشد

هنوز مردان شعله ور از عشق جان‌شان

در بازپسینگاه خاکستری سحرگان

هنوز مردان هم آمیخته با آوازهای سرخشان

در بازپسینگاه خاکستری سحرگاهان

هنوز مردان خون آلود

باستواری پای قرص کرده بر سرزمین اشان

برخاسته برابر صف دهان گشوده مرگ

در بازپسینگاه خاکستری سحرگان

هنوز...

هنوز در بازپسینگاه خاکستری سحرگاهان

آری

مردان

مردان زبانه میکشند

در زیر باران خوششان

آه، دیگر بار

طنین آخرین سرود آنان را

در متن رگیارهای مرگیار

تکرار خواهند کرد

دیگر بار

شاعران

یا قلبشان

آوازهای خونین آنان را

باز خواهند خواند

و دیگر بار

خلق‌ایمان به صدزبان

کلام مشترک آنان را

خواهند سرود

و دیگر بار...

و دیگر بار



از هموطنان سیارز درخواست میشود که متن تلگراف
زیر را امضاء نموده و به نشانی سازمان ملل متحد-
شهر نیویورک آقای دبیرکل پرزدگیلار بفرستند .

Mr. Javier Peres De Guellar
Secretary General of the United Nations

xalvat.com

Dear Mr. De Guellar:

On September 20th, 1987, Neusha Farrahi, an exiled Iranian set himself afire to protest the visit of Ali Khamenie to the U.N. and to expose and oppose the bitter and bleak reality that the Islamic Republic has inflicted on the Iranian people.

We, in solidarity with Neusha Farrahi, who is in a critical condition, express our abhorrence at the on-going violations of human rights in Iran and the Islamic authorities, persistence to continue the war.

We, hereby once again reiterate our appeal to the International Community to exert pressure on the Islamic Republic to stop human rights abuses in Iran.

We also call for an immediate and unconditional end to the tragic Iran-Iraq war.



خودسوزی یک ایرانی مقید در اعتراض به جنایت رژیم جمهوری اسلامی

xalvat.com

هر روز که می گذرد سینه ده ها تن از بهترین فرزندان خلق آماج گلوله های درخیمان جمهوری اسلامی می گردد. اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد و کشتار وحشیانه خلق کرد ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق انسان ها را پایمال کرده و جنگ جهانی ایون و عراق پس از بجای نهادن صدها هزار کشته وارد هشتمین سال خود گشته است. رژیمی که خود را نماینده خدا و مالک جان انسانها می داند، گلای سرخ جامعه را هر روز در داخل و خارج مرزهای کشورمان پیر کرده و "رحمت الهی اش" در بهشت زهرا و هزاران گورستان کوچک و بزرگ دیگر بر خاک نشسته است.

در چنین شرایطی اعلام خیر سفر خامنه ای جهت شرکت در اجلاس سازمان ملل - در تلاش برای برون رفت از انزوای بین المللی و منطقه ای رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی - اعتراض ایرانیان مبارز و مترقی در آمریکا را پرانگیخت. بدین مناسبت روز یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷، تظاهراتی در لس آنجلس مقابل ساختمان فدرال از طرف "کمیته اعتراض به ورود خامنه ای به سازمان ملل"، متشکل از ایرانیان مبارز و مترقی برگزار گردید. درخانه هنگام قرائت قطعنامه تظاهرات، بناگاه رفیق "نیوشا فرهی"، هوادار سازمان چریک های فدائی خلق ایران در اعتراض به حضور خامنه ای جلاد در سازمان ملل، سیاست های خارجی ارتجاعی دولت ریگان، در مخالفت با تلاشهای مذبوحانه سلطنت طلبان رنگارنگ برای بازگرداندن نظام سلطنتی و در همبستگی با خلق های ستمدیده ایران و جهان، دست از جان شست و خود را به آتش کشید.

او با شعار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر سلطنت" در برابر چشمان بهت زده حصار سوخت تا فریاد خلق های قهرمان ایران را به گوش جهانیان برساند. رفیق نیوشا در وصیت نامه ای که قبلاً تهیه کرده بود، چنین نوشت:

"...خون من رنگین تر از خون خلق کرد، یا زنان حامله ای که اعدام شده اند و با دخترانی که به شنیع ترین اشکال شکنجه می گردند (و یا حتی آن زنانی که در بستوی اخوان بیمار و فرهنگ مذهبی ی مردان ایرانی اسیر هستند) نیست، اگرچه شجاعت، ایمان و بزرگی آنها را ندارم و بطریق اولی به اندازه آنها عاشق نیستم..."

آری بار دیگر حیات منحوس رژیم جمهوری اسلامی فاجعه ای تازه آفرید، اینبار در لس آنجلس. طبق آخرین اخبار رسیده از بیمارستان بیش از هفتاد درصد بدن رفیق نیوشا بشدت سوخته و اکنون وی در وضعیت بحرانی بسر می برد. این وظیفه تمام ایرانیان مبارز و مترقی است که جهت هرگونه کمک به نیوشا اقدام نمایند. درهمین رابطه کمیته ای از طرف رفقا و دوستان نیوشا در لس آنجلس تشکیل شده است. برای تماس با این کمیته، با آدرس زیر مکاتبه نموده و کمک های مالی خود را به حساب بانکی که بدین منظور باز شده واریز نمائید. ما ضمن آرزوی بهبودی رفیق نیوشا، از همه نیروهای مترقی و انقلابی ایران و جهان خواستاریم که در جهت افشا و منزوی کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران بکوشند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی ایران
مستحکم تر باد اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی
نابود باد بقایای رژیم سلطنتی

هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در آمریکا
هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران در آمریکا

۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷

آدرس "کمیته همبستگی با نیوشا فرهی"

0361005523

P.O. BOX 81
RESEDA, CA 91335, USA

NEUSHA FARRAHI
WESTWOOD OFFICE CALIFORNIA FIRST BANK
1310 WESTWOOD BLVD, LA, CA 90024

شماره حساب بانکی:



سفر نماینده رژیم جنگ و جهل و جنایت به نیویورک

اعتراض ایرانیان مبارز و مترقی و عمل متهورانه خودسوزی نوشا فرهی

xalvat.com

با افشاء شدن روابط پنهانی جمهوری اسلامی با دولت ریگان و بر ملا شدن بند و بست های میان این دو دولت جهت "حل مسئله جنگ" از طریق حذف سیاسی صدام حسین، رژیم آبرو باخته که نقشه های خود را برپا داشت و چشم انداز بیرون رفت از بن بست جنگ، با تلاق بحرانی اقتصادی و جنبه تشادهای درونی خویش را تیره تر از پیش می دید با شدتی هر چه تمامتر بر طبلهای جنگ کوفت، به تهدید دولتهای عربی حوزه خلیج پرداخت و بر قیل و قال "فلسد امپریالیستی" خود افزود. خط و نشان کشیدنیهای رژیم قرون وسطائی، واکنش متقابل دولتهای ارتجاعی عرب که از رژیم جمهوری اسلامی هراسناک و از سیاستهای دولت ریگان نسبت به این رژیم اندیشناک بودند، را به همراه آورد. اما حرکت دولتهای عربی برای مقابله با تهدیدهای جمهوری اسلامی، ختم ثابته جنگ و منزوی کردن رژیم - که در ادامه خود افزایش فشارهای بین المللی و جمهوری اسلامی را به همراه داشت - با واکنش متقابل حکومت جنگ و جهل و جنایت مواجه شد. گسترش عملیات تروریستی رژیم در خارج از مرزهای ایران (حمله به اماکن مسکونی پناهندگان ایرانی در پاکستان و ترور حمید رضا چیتگر، بمب گذاری در هتل های توریستی تونس، اقدام به ترور سه دیپلمات امریکائی در مصر، انفجار بمب در حوزه های نفتی کویت، ماجراجویی در مکه و ...)، هسته مرکزی سیاست تعرضی رژیمی بود که منطق حیات و معات ضد تاریخی اش بر شالوده جنگ، ترور، سرکوب واقع شده است.

گسترش بی سابقه عملیات تروریستی رژیم در خارج از مرزهای ایران و خیز جدید دولتهای ارتجاعی عربی پسرای مقابله با خطر جمهوری اسلامی، دستگاه رسوای ریگان را مجبور نمود که برای مقابله با قلدر منشیهای رژیم - جنایتکار خمینی و احیاناً اعتماد از دست رفته متحدین عرب خود، دست به اقداماتی علیه جمهوری اسلامی زند. سیاست حفاظت از نفکشیهای کویتی و گسیل رزم ناوهای امریکائی به خلیج فارس (که در مرحله بعدی با عملیات تروریستی ایران در آبهای خلیج به گسیل رزم ناوهای دولتهای امپریالیستی اروپائی نیز انجامید) در بعد سیاسی، با افزایش بی سابقه فشارهای بین المللی بر ایران توأم بود. قطعنامه مصوب سازمان ملل متحد برای پایان جنگ (در ۲۰ جولای ۱۹۸۷)، افزایش تبلیغات رسانه های امپریالیستی علیه جمهوری اسلامی، فشارهای دیپلماتیک و مانورهای سیاسی قدرتهای جهانی و ۲۰۰ رژیم جمهوری اسلامی را به صرافت انداخت تا در کنار حربه تروریسم، اهرمهای دیپلماتیک خود را بکار اندازد. تغییر لحن کارگزاران جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی نسبت به جنگ، افزایش آمد و شد ها به شوروی و چین و گسترش روابط با این دو کشور، و اعزام هیئت های سیاسی به کشورهای مختلف اروپائی، سفر لاریجانی به نیویورک، مذاکرات وی با رئیس "سازمان ملل متحد"، دعوت از پسر دوکثولار جهت مسافرت به ایران و سرانجام سفر خامنه ای به امریکا و حضور وی در مجمع عمومی "ملل متحد" همه و همه، مبین کوششهای منبوجانه جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از اعمال مجازاتهای شورای امنیت سازمان ملل متحد (تحریم نظامی ایران) و خنثی کردن فشارهای بین المللی، برای پایان جنگ خامنه سوز بود. جنگی که شیشه عمر رژیم است و می بایست که به هر ترتیب ممکن برای "فتح کربلا" تا "سرنگونی صدام حسین" ادامه یابد.

سفر خامنه ای - این نماینده جمهوری اسلامی جنگ و جهل و جنایت - به نیویورک نمی توانست موج خشم و انزجار را در اپوزیسیون دمکراتیک و ضد امپریالیستی به همراه نیاورد. به همین دلیل نیز ایرانیان مترقی و مبارز در شهر - های عمده امریکا و اروپا به حرکت در آمدند و با برگزاری تظاهرات سایر اکسیونهای افشاگرانه مخالفت و اعتراض خود را با حضور وی در "سازمان ملل متحد" به نمایش گذاشتند. در لوس آنجلس نیز، ایرانیان مبارز و



آزادیخواهی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را فرزند خلف رژیم سلطنتی می‌شمارند در روز ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷، به دعوت " کمیته اعتراض به ورود خامنه ای به سازمان ملل " به تظاهرات پرداختند. در این تظاهرات رزمندگان، ایرانیان مترقی با شعارهایی، " سفر خامنه ای به سازمان ملل متحد را محکوم می‌کنیم"، " سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی"، " ارسال اسلحه را به رژیم خمینی محکوم می‌کنیم"، " مرگ بر ارتجاع، زنده باد آزادی"، " مرگ بر خمینی"، ... مدای مردم در زنجیر میهن را به گوش افکار عمومی رساندند و نفرت خویش را نسبت به نمایندگان این رژیم سراپا ارتجاعی در معرض انظار بین المللی قرار دارند.

در جریان این تظاهرات - که بیان همبستگی و اتحاد عمل ایرانیان مبارز و مترقی - در اعتراض به سفر خامنه ای بود، دسته ای از نیروهای هوادار سلطنت - که در کمونیسم ستیزی و ضدیت با آرمان انقلاب همتای هواداران رژیم جمهوری اسلامی می‌باشند - به اشکال مختلف سعی نمودند که صفوف فشرده تظاهرات " کمیته " را در هم ریزند. اما مقاومت متین و برخورد های تظاهر کنندگان، باری دیگر تلاش های ردیالنه ضد انقلاب را نقش بر آب ساخت.

در راس ساعت ۵ بعد از ظهر، هنگامی که قطعه نامه پایانی توسط یکی از اعضای کمیته خوانده می‌شد، بنگاه، نیوشا فرهی، با فریادهای " مرگ بر خمینی"، " مرگ بر سلطنت " خود را به آتش کشید. خود سوزی نیوشا فرهی - که یکی از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران (شورای عالی) می‌باشد - اعتراض عمیقاً " سیاسی و مشهورانه به سفر خامنه ای، به خفقان، شکنجه، کشتار حاکم بر ایران و جنگ بی پایان ایران و عراق است. خود سوزی نیوشا فرهی پژواک فریادهای مردم ستم دیده ایران، آوای رسانی برای قهرمان مقاومت در سياهچال های شه ساخته و خمینی پرداخته و مدای ملیونها آواره و پناهنده ایرانی است که برای سرنگونی دژخیمان حاکم بر وطن می‌رزمند و می‌سوزند، اما هیچگاه از پای نمی‌نشینند. نیوشا فرهی با سوزاندن خود آتش زیر خاکستر خشمم طرفداران آزادی ایران را بار دیگر شعله ور ساخت و بر بی تفاوتی های سیاسی تاثیر گذار گذاشته است.

نیوشا فرهی با به آتش کشیدن بدن خویش، فریاد اعتراض مردم ایران را به سیاست های ارتجاعی دولت امریکسا به گوش مردم جهان رساند. هیچ ایرانی مبارز و مترقی که دل در گرو سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و آزادی مردم ایران دارد، نمی‌تواند از خواسته هایی که نیوشا خود را برای تحقق آن به آتش کشید، حمایت نکند و همبستگی مبارزاتی خود را از وی دریغ نماید.

سرنگون باد رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی

مرگ بر جنگ - زنده باد صلح

هر چه گسترده تر باد وحدت عمل انقلابی و مبارزاتی

نیروهای ایوژیسیون دمکراتیک و انقلابی

نشریه آغازی نو

۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷

بر اساس گزارشات پزشکی، قریب ۷۰ درصد از بدن نیوشا فرهی به شدت سوخته است (سوختگی درجه دو و سه) و نیوشا در وضعیتی بحرانی به سر می‌برد. تا کنون يك عمل جراحی روی بدن او صورت گرفته است. و هنوز چندین عمل جراحی دیگر در راه است. به منظور همبستگی با نیوشا و تا مین مخارج پزشکی وی، کمیته ای از همزمان و دوستان وی تشکیل شده است. ما از تمام ایرانیان آزادیخواه و مترقی می‌خواهیم در حمایت از این کمیته بپیما خیزند و حمایت های مالی و معنوی خود را از آن دریغ نمایند.

با آرزوی بهبودی سریع نیوشا فرهی و تحقق خواسته های انقلابی مردم ایران.

0361005523

شماره حساب بانکی:

NEUSHA FARRANI

WESTWOOD OFFICE CALIFORNIA FIRST BANK

1310 WESTWOOD BLVD, LA, CA 90024



گزارش تظاهرات بر علیه رژیم خمینی و عمل متهورانه خودسوزی نیوشا فرهی

دعوت علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور دولت جنایتکار خمینی به سازمان ملل متحد، موجی از انزجار و اعتراض را در میان ایرانیان خارج از کشور برانگیخت. دولت جمهوری اسلامی که در داخل مرزهای ایران، به سبانه‌ترین شکل ممکن به سرکوب مردم محروم و ستمدیده میهنمان دست یازیده و جزا خنق و بیچارگی، آوارگی و در بدری و اعمال قوانین وحشیانه فزون و سطا ئی، چیزی را به همراه نداشته است، همچنان بر طبل جنگ خانمانسوز خود می‌کوبد تا چندمباحی بر عمر ننگین خود بیافزاید. گسترش ابعدشور به خارج از مرزهای ایران نیز در ادامه همان سیاست سرکوب و کشتار رژیم صورت می‌گیرد.

xalvat.com

علی خامنه‌ای در شرایطی به سازمان ملل پای می‌گذازد که دولت جمهوری اسلامی در وضعیت بحرانی و وخیمی غوطه می‌خورد. قطعنامه مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد و تاکید بر ضرورت پایان دادن به جنگ ایران و عراق، بیانگرانزوی رژیم جمهوری اسلامی در مقیاسی بین‌المللی است. علی خامنه‌ای، در چنین وضعیتی به سازمان ملل متحد کام می‌نهد. به همین مناسبت، ایرانیان مبارز و مترقی، در اعتراض به این سفروا فشاء چهره‌گریه رژیم خمینی، با تشکیل "کمیته....." تظاهراتی را در مقابل ساختمان فدرال، وست وودلوس آنجلس، ترتیب دادند تا صدای اعتراض خود را به حضور خامنه‌ای در سازمان ملل که در حقیقت صدای اعتراض مردم میهنمان می‌باشد، به گوش جهانیان برسانند. تظاهرات که از مدتی پیش تدارک دیده شده بود، در ساعت ۳ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ برگزار شد. فریادهای "سفر خامنه‌ای را به سازمان ملل محکوم می‌کنیم"، "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی"، "ارسال اسلحه رایه رژیم خمینی محکوم می‌کنیم"، "مرگ بر ارتجاع، زنده باد آزادی" و..... بیانگر خشم و انزجار هم میهنان حاضر در تظاهرات بود. در عین حال در حین تظاهرات دسته‌ای از بقایای رژیم دیکتاتوری شاه نیز بر آن بودند که با توسل به حربه شانتاژ، صفوف تظاهرات کمیته، متشکل از ایرانیانی که در نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی و سلطنتی رانگی کرده‌اند، را درهم ریزند. اما مقاومت و برخورد قاطعانه هم میهنان متعهد و مسئول در تظاهرات، توطئه آنان را نقش بر آب کرد.

در اواسط ساعت ۵، قطعنامه پایانی تظاهرات توسط یکی از اعضاء کمیته قرائت گردید. قطعنامه مزبور که از وضعیت دهشتناک حاکم بر میهنمان پرده برمی داشت، در ادامه خود خواسته‌های کمیته مزبور، مبنی بر محکوم نمودن سفر خامنه‌ای به سازمان ملل، تحریم فروش اسلحه به دولتهای درگیر در جنگ، اخراج دولت ایران از مجمع بین‌المللی و از جمله سازمان ملل و..... را دربرداشت، بناگاه، نیوشا فرهی، حماسه‌وار، با فریاد "مرگ بر خمینی، مرگ بر بقایای سلطنت"، خود را به آتش کشید. و در حالی که شعله‌های آتش زبانه می‌کشید، او ققنوس وار فریادهای خشم خود را سر میداد. فریادهای نیوشا، بیان دردها ورنجهای مردم محروم ایران، پرپر شدن شقایق‌های سرخ



زندانی درسیا هچا لهای رژیم خمینی و غریب و آزادیخواهی خلقی های دربند میهنان بود ، خودسوزی نبوشا ، نشا نگر عصیان میلیونها آواره و پناهونده ایرانی است که از خانه و کاشانه خود در برده شده اند ، نبوشا میسخت و بیامقاومت ، ایثار و سرفروندنیاوردن در مقابل دژ خیمان حاکم بر میهن گلگونمان را نوید میداد ،

نبوشا که عاشق زندگی است ، خود را به آتش کشید تا آنچه را که بر مردم میهنش ، در زندان ها ، کارخانه ها و تنورهای جنگ خمینی میگذرد ، به گوش جهان نیشان رساند ، به قول خود نبوشا در وصیتنامه اش :

"به استقبال مرگ نمی شتابم ، چرا که عاشق مرگ نیستم ، و به زندگی "در سرای باقی" هم اعتقاد ندارم . اما به ناگزیر در راه مرگ گام برمیدارم چون عاشق زندگی ام ، و نیز مانند هر جهان سومی مسئول دیگر ، نیک میدانم که : "آنگسی که جان نداد ، به جانان نمی رسد" و خود را به آتش میکشم ."

xalvat.com

آری نبوشا با خودسوزی اش گفت که :

"خون من ، رنگین تر از خون خلق کرد ، یا زنان حامله ای که اعدام شده اند و یا دخترانی که به شنیعترین اشکال شکنجه میگردند ، (یا حتی آن زنانی که در پستوی اذنان بیمار روضه فرهنگ مرد ایرانی اسیر هستند) نیست . اگر چه شجاعت ، ایمان و بزرگی آنها را ندارم و به طریق اولی به اندازه آنها ، عاشق نیستم ."

در حالیکه آتش سرایای وجود نبوشا را در بر گرفته بود ، یارانش مضطرب و دل نگران به سوی او هجوم بردند و آتش را مهار کردند .

پس از مدتی نیروهای امدادی ، علیرغم وقفه ای غیر معمول ، به محل آمده و بدن سوخته نبوشا را برای انتقال به بیمارستان دانشگاه یوسی . ال . ای ، در آمبولانس قرار دادند . و در همان حال یاران و هم میهنان مبارزمان ، در پی اوروان گشته و همدل و همزبان با نبوشا ، فریادهای "مرگ بر خمینی" ، "شک و نفرت بر جرثومه های سلطنت" را سر داده و در حالیکه یار خود را همراهی میکردند ، به سوی بیمارستان روانه شدند . نبوشا در وضعیت وخیمی بسر میبرد . تشنج همه را فرا گرفته بود ، سکوت غریبی بر لبان یاران نبوشا سنگینی میکرد . دلها مضطرب و چشمها نگران به دور اورژانس خیره شده بود ، هر کسی به یاد خاطره های دور و نزدیک خود پناه برده بود ، شو گوشتی همه به مرور یادها و خاطره ها شان با نبوشا ، زمان را سپری میکردند ، نگاه ها با یکدیگر در سخن بود ، نفسی در گلو پیدا میکرد . به جای اشک ، خون از چشمها جاری بود . هر کس از خود میپرسید ، چه خواهد شد ؟ آیا دوباره نبوشا را در جمع خود خواهیم داشت ... ؟



وبا زپژواک فریادرسای " مرگ برخمینی " نیوشا ، درگوشها ، دلها را تکان خواهد داد؟ وهرآنگاه که پرستارمخصوصی به محل انتظارگام میگذاشت ، همه سوآسیمه به سوی هجوم برده و به گردا و حلقه میزدند ، هرکس دل نگران و منقلب ، جویای حالش بود . زمان به کندی میگذشت و امکانات محدود بیمارستان ، به تشدید تشنج دامن میزد . براساس گزارش مسئولین ، قریب ۷۰ درصد بدن نیوشا سوخته بود و میبایستی او را به جای دیگری منتقل میکردیم . بیمارستانهای عمومی اورانمی پذیرفتند . برخی از بیمارستانهای خصوصی نیز در ابتدای کار از ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار و حتی وثیقه مالی برای برپا ۲۵۰ هزار دلار ، سخن به میان میاوردند . درسوزمین "مهدآزادی" جوان انسان را ارزشی بیش از این نیست ، بناچار هرکس بسوئی روان شدنا مبلغ قسوق را فراهم آوریم . پس از ساعتها تلاش ، سوانجام بخشی ارمبلغ مزبور ، جمع آوری گردید . اما این نیز کمایست نمیکرد . تا نیمه روز دیگر ، وضعیت به همین منوال ، سپری گردید . سوانجام با اعلام قبولی پذیرش نیوشا در بیمارستان عمومی دانشگاه یواس . سی . یوزخ شکسته شد . براساس گزارش پزشکان متخصص ، دیگر خطر مرگ ، یا سوخته ماندن را تهدید نمیکند ... نیوشا دوران سخت و طاقت فرسائی را برای بهبودی ، از سرخواهد گذارند .

ما عمیقاً "ایمان داریم که نیوشا ، علیرغم سوختگی شدید ، با اراده قوی خود از پس دردها برآمده و در اینجا نیز پیروز و سربلند خواهد بود و به جمع ما بازخواهد گشت .

xalvat.com

" هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوا ما "

اقدام نیوشا که عملی عمیقاً "سیاسی و اعتراضی به جهنم حاکم بر میهن و دژ خیم رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی میباشد ، عصیان کاههای جهان سوم در مقابل ظلم و ستم ، بیعدالتی و فقر و شکنجه و کشتار است و بس

" درود به زندگی - درود به آزادی "

